

بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی الیگودرز

نادر الفاویان *

چکیده

رکن اساسی توسعه اقتصادی هر جامعه، بر توسعه نیروی انسانی تکیه دارد. هدف تحقیق حاضر، بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز بود. این تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش‌آموختگان سال 1376 تا سال 1385 است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که با اطمینان 98% می‌توان گفت متوسط نرخ بیکاری 32% و متوسط نرخ اشتغال به تحصیل 21% می‌باشد. این در حالی است که بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال 1385 نرخ بیکاری دانش‌آموختگان در استان لرستان 20/6% بوده است. نتیجه مهم ارقام بدست آمده، تأکید بر تغییر راهبردهای آموزشی می‌باشد. حذف و تعدیل برخی رشته‌های دانشگاهی به دلیل اشباع بازارکار و اصلاح و تغییر سطوح تحصیلی از کاردانی به کارشناسی و اصلاح مواد آموزشی متناسب با نیازهای شغلی از دستاوردهای این تحقیق می‌باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال، بیکاری، دانش‌آموختگان، دانشگاه آزاد، اثرات اقتصادی

* عضو هیأت علمی دانشگاه الیگودرز (مربی) (مسئول مکاتبات: Alfavian.nader@yahoo.com)

مقدمه

یکی از مشکلات اساسی دولت‌ها به ویژه در کشور ایران، پدیده بیکاری است. این پدیده مسایل و مشکلات ویژه‌ای در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به وجود آورده است. دلایل متعددی در بروز این معضل اجتماعی مؤثر می‌باشد که مهم‌ترین آنها، عدم توازن عرضه و تقاضای کل کالا و خدمات در جامعه می‌باشد. علمای اقتصاد بر این باورند که به کارگیری حدود 95% ظرفیت تولیدی کشور، تعادل عرضه و تقاضای کل را برقرار می‌کند. به عبارت دیگر وجود پنج درصد بیکاری در جامعه امری طبیعی است. بنابراین رکود و بیکاری هنگامی در جامعه به صورت یک بیماری اقتصادی و اجتماعی بروز می‌کند که بیش از پنج درصد عوامل تولید مانند: منابع طبیعی، ماشین آلات، ساختمان و نیروی انسانی به فعالیت تولیدی اشتغال نداشته باشند.

پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و ضرورت نوسازی سریع کشور، افزایش فزاینده و مستمر پذیرش دانشجو در سرفه برنامه‌های نظام آموزش عالی قرار گرفت. برنامه‌ریزان انتظار داشتند کارشناسان تربیت یافته در مراکز دانشگاهی علاوه بر تأمین نیاز واحدهای اقتصادی موجود، با خلاقیت و کارآفرینی بنگاه‌های تولیدی و تجاری جدیدی تأسیس نمایند و با جذب و استخدام افراد آماده به کار در کاهش نرخ بیکاری تأثیرگذار باشند. لیکن بعد از گذشت دو دهه تلاش، بافت و ساختار بیکاری در کشور تغییرات جدیدی را تجربه نمود. ظهور پدیده بیکاری غیرمتعارف و چشمگیر دانش‌آموختگان دانشگاهی مسئولین را مجدداً به چاره‌جویی واداشت. هرچند بیکاری مشکلات متعددی مانند: کاهش درآمد و مصرف و در نتیجه کاهش سطح استانداردهای زندگی را به وجود می‌آورد و از طریق گسترش فقر، ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی را به دنبال می‌آورد، لیکن بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است. زیرا علاوه بر راکد ماندن حجم انبوه سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در تربیت نیروهای متخصص، نبود زمینه واگذاری نقش اجتماعی به افراد فرهیخته، حس ناامیدی و یأس را در این قشر افزایش داده و اعتراضات سیاسی و فرار سرمایه‌های انسانی متخصص را به دنبال خواهد داشت (بختیاری، 1382: 84).

در ابتدای امر دانشگاه آزاد اسلامی توانست با توجه به نیاز روز افزون خیل مشتاقان تحصیلات عالی، به یاری دانشگاه‌های دولتی بشتابد و در حال حاضر تعادل مطلوبی بین عرضه و تقاضای تحصیلات دانشگاهی به وجود آورد، لکن مشکلات جدیدی در عرصه اشتغال به وجود آمده است که بر خلاف نظریه ژان باتیست سه که معتقد بود عرضه تقاضای خود را به وجود می‌آورد، عرضه نیروی متخصص و مجرب نتوانسته است تقاضای بازار کار را به تحرک وادارد. محققان مهم‌ترین عامل این وضعیت را موفق نبودن نظام آموزش عالی در ایجاد روحیه کارآفرینی به دانشجویان می‌دانند و در راستای حل این معضل، ارائه نظام نظری و عملی کارآفرینی در دانشگاه را پیشنهاد کرده‌اند (مرادی، 1382: 3).

مطالعات انجام یافته در کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد تأسیس دانشگاه علاوه بر تربیت و تأمین افراد متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی به خودی خود می‌تواند تولید درآمد برای فروشندگان کالا و خدمات، پیمانکاران از طریق سرمایه‌گذاری‌های انجام یافته، هتلداران و دولت‌ها، کارکنان و اعضای هیئت علمی نماید و مشاغل متعدد را به وجود آورد (دانشگاه نتردام، 2002: 11).

همچنین این مطالعات نشان می‌دهد دانشگاه‌ها در شکل‌گیری مدل‌های مختلف انتقال تکنولوژی نقش مهمی ایفا کرده‌اند و برخی از ایشان اقدام به تأسیس شرکت‌های تجاری خصوصی می‌کنند که رونق اقتصادی منطقه را در پی داشته است. شرکت‌های کوچکی در کنار دانشگاه‌ها برای مراوده‌های تجاری از طریق تولید دانش به منظور مصرف دانشگاه به وجود آمده است. در حقیقت نقش دانشگاه در تعداد اختراعات ثبت شده به نمایش در می‌آید. دانشگاه‌ها باعث شده‌اند مشاغلی در سطوح بالای علمی و در نتیجه درآمدی به وجود آید که نتیجه حضور کارآفرینان جدید در عرصه اقتصادی است. اینان دریافتن، افراد آموزش دیده در اشتغال موفق بوده‌اند. همچنین این مطالعات نشان می‌دهد اغلب دانش‌آموختگان در همان منطقه‌ای که تحصیل کرده‌اند به کار مشغول شده‌اند (کالج آمریکا، 2001: 11).

همچنین سیاست تمرکززدایی و خصوصی‌سازی آموزش عالی اثرات معنی‌داری بر بهره‌وری و نوآوری در سطح محلی را به اثبات رسانده است (اندرسون، 2005: 1).

علی‌رغم شواهد مذکور متأسفانه تأسیس و گسترش دانشگاه‌ها نتوانسته است کارکرد اصلی خود را در ایران عینیت بخشد. در همایش اشتغال و نظام آموزشی عالی که به همت دانشگاه تربیت مدرس تهران در سال 1382 بر گزار گردید، کارشناسان امر اشتغال با ارائه مقاله‌های متعدد، سعی نمودند پدیده بیکاری دانش‌آموختگان

دانشگاهی را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهند. عمده راهکارهای ارائه شده جهت برون رفت از این معضل اجتماعی و اقتصادی بر دو محور اصلی: 1. بازبینی عناوین و سرفصل‌های دروس دانشگاهی (رحمانی، 1382: 6) 2. ارائه دروس کارآموزی و کارآفرینی در تمام مقاطع و رشته‌های دانشگاهی تکیه دارد (سعیدی کیا 1382: 3-1).

این مطالعه بر آن است تا با اندازه‌گیری نرخ بیکاری و نرخ اشتغال به تحصیل دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد الیگودرز در مقاطع و رشته‌های مختلف این دانشگاه، نقش تحصیلات دانشگاهی را در کسب شغل مناسب و دلایل احتمالی عدم موفقیت در بدست آوردن شغل را بررسی نماید.

روش تحقیق

با توجه به هدف تحقیق که شناخت میزان موفقیت تحصیلات تکمیلی در دستیابی دانش‌آموختگان به مشاغل متناسب با رشته و مقاطع تحصیلی می‌باشد، نوع تحقیق توصیفی و روش تحقیق پیمایشی است. ابزارهای عمده تحقیق عبارت بود از:

1. مطالعات کتابخانه‌ای 2. پرسشنامه‌های پستی 3. مصاحبه حضوری 4. مصاحبه

تلفنی

در این تحقیق سعی شده است دو معیار نرخ بیکاری و نرخ اشتغال به تحصیل در رشته‌ها و شهرهای مختلف برای دو گروه مردان و زنان دانش‌آموخته به دست آید. جامعه آماری شامل دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی الیگودرز در سال 1376 تا پایان سال تحصیلی 1384.85 می‌شود. بنابراین به روش سرشماری، تمامی 1750 نفر جمعیت دانش‌آموخته دانشگاه مورد بررسی قرار گرفته است. لیکن به دلیل عدم تکمیل تمام پرسشنامه‌ها، تعداد 769 پرسشنامه تکمیل شده به عنوان نمونه تلقی گردید و به کمک آمار استنباطی سعی گردیده است پارامترهای جامعه تخمین زده شود.

بنابر تعریف مرکز آمار ایران جمعیت فعال عبارتند از شاغلین به کار و یا خدمت سربازی، بیکاران آماده و جویای کار. بنابراین جمعیت شاغل به تحصیل و بیکارانی که در جستجوی کار نیستند در این تحقیق در جمعیت فعال قرار نمی‌گیرند. برای بدست آوردن نرخ بیکاری، جمعیت دانش‌آموختگان در جستجوی کار بر مجموع جمعیت فعال دانش‌آموختگان تقسیم گردیده است.

هر چند جمعیت 769 نفر 44 درصد از کل جامعه آماری را تشکیل می‌دهد و نتایج آن تا حدود زیادی قابل اتکا است لیکن جهت افزایش اطمینان به نتایج طرح، فرض گردید که این حجم نمونه از جامعه نرمال استخراج شده است. بنابراین انحراف

$$S_{\bar{p}} = \sqrt{\frac{\bar{p} \cdot \bar{q}}{n}}$$

معیار نرخ بیکاری برابر: \bar{p} نرخ بیکاری و $(\bar{q} = 1 - \bar{p})$ و n حجم نمونه می‌باشد. آنگاه با ضریب اطمینان 98 درصدی نرخ بیکاری حاصله از نتایج مورد تأکید قرار می‌گیرد.

$$p(\bar{p} - z_{\alpha/2} \cdot S_{\bar{p}} < P \leq \bar{P} + Z_{\alpha/2} \cdot S_{\bar{p}}) = 1 - \alpha$$

یافته‌ها

از مجموع 1750 پرسشنامه که به شیوه‌های پستی، مصاحبه حضوری، و مصاحبه تلفنی توزیع شد، تعداد 769 پرسشنامه تکمیل گردیده است. علت عدم تکمیل تمامی پرسشنامه‌ها، تغییر محل سکونت و دقیق نمودن نشانی و یا عدم تمایل پرسش شونده به پاسخگویی بوده است.

1. اطلاعات جمعیت‌شناختی

از 769 نفر جمعیت دانش‌آموخته تعداد 468 نفر مرد و 301 نفر زن هستند. این ارقام نشان‌دهنده نسبت 60 درصدی مردان و 40 درصدی زنان می‌باشد. با توجه به نسبت معکوس پذیرفته‌شدگان آزمون ورودی سال‌های 86 و 87 (60 درصد زن و 40 درصد مرد) نشانه‌هایی از عدم اقبال مردان به ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها مشاهده می‌شود که می‌تواند ناشی از این باور عمومی در میان مردان دانشجو باشد که آنها با داشتن مدرک تحصیلی نمی‌توانند شغل مناسب به دست آورند. از مجموع 769 نفر دانش‌آموخته 344 نفر شاغل و 425 نفر غیرشاغل می‌باشند. از تعداد 344 نفر شاغلین تعداد 253 نفر شغل جدیدی به دست آورده‌اند و تعداد 44 نفر به مشاغل قبلی خود بازگشتند. از 253 نفر شاغل جدید تعداد 70 نفر شغل دائم و 183 نفر شغل موقت و غیردائم دارند. از تعداد 44 نفر شاغلین قبلی تعداد 33 نفر از ایشان در شغل قبلی خود ابقاء و تعداد 11 نفر ترفیع گرفته‌اند. از جمعیت شاغلین 47 نفر به خدمت سربازی اشتغال دارند. از مجموع 425 نفر جمعیت غیرشاغل تعداد 185 نفر در مدارج بالاتر دانشگاهی ادامه تحصیل می‌دهند و تعداد 194 نفر در جستجوی کار بوده و تعداد 46 نفر علاقه‌ای به ادامه تحصیل و یا داشتن کار نداشته‌اند.

متغیرهای تحقیق الف) نرخ بیکاری:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت جویای کار}}{\text{دانش‌آموختگان فعال}} = \frac{194}{538} = 36\%$$

بنابراین نرخ اشتغال برابر (64% = 100% - 36%) هر چند ضریب یا نرخ اشتغال دانش‌آموختگان 64 درصد می‌باشد لیکن بیش از 34 درصد شاغلین به کارهای غیرمرتبط با رشته تحصیلی و حتی بی‌نیاز به مدرک تحصیلی مشغول می‌باشند. این اقلام از پرسشنامه با عنوان شاغلین موقت استخراج گردیده و شامل مشاغل ماندگارندگی، دفتردار پزشکیان و ... می‌باشد.

فاصله اطمینان برای نرخ بیکاری (p) برابر است با:

$$s_p = \sqrt{\frac{.36 \times .64}{538}} = .02$$

$$p(.26 - 2 \times .02 < p < .26 + 2 \times .02) = 98\%$$

$$p(.22 < p < .30) = 98\%$$

بنابر نتایج حاصله با سطح معنی‌دار بودن 2 درصد، نرخ بیکاری حداقل 32 و حداکثر 40 درصد می‌باشد. به عبارت دیگر تقریباً با اطمینان 98 درصد می‌توان انتظار داشت که حداقل 32 درصد دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد الیگودرز تاکنون شغلی بدست نیاورده‌اند. اگر جمعیت 34 درصدی شاغلین غیرمرتبط با مدرک تحصیلی را به رقم مذکور بیافزاییم، حداقل 66 درصد دانش‌آموختگان نتوانسته‌اند شغلی با استفاده از مدرک تحصیلی خود بدست آورند.

ب) نرخ اشتغال به تحصیل

برخی دانش‌آموختگان مقطع کاردانی و یا کارشناسی اقدام به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر نموده‌اند. نرخ ادامه تحصیل در کل دانش‌آموختگان برابر است با:

$$\text{دانش‌آموختگان / شاغل به تحصیل} = 185 / 769 = 24\%$$

این نسبت در میان جمعیت مردان و زنان برابر است با:

$$\text{دانش‌آموختگان مرد / شاغل به تحصیل مرد} = 114 / 468 = 24\%$$

$$\text{دانش‌آموختگان زن / شاغل به تحصیل زن} = 71 / 301 = 24\%$$

علاقه یکسان ادامه تحصیل در مراتب بالاتر در میان هر دو گروه مرد و زن، از نظر اجتماعی نکته قابل تأملی است. این نسبت نشان می‌دهد در حدود یک چهارم از جمعیت دانشجویان عملاً در مراتب بالاتر به تحصیل ادامه می‌دهند.

$$s_{\bar{p}} = \sqrt{\frac{\bar{p} \cdot \bar{q}}{n}} = \sqrt{\frac{.24 \times .76}{769}} = .15$$

فاصله اطمینان برای نرخ اشتغال به تحصیل

$$p(.24 - 2/.05 \times .15) \leq p \leq .24 + 2/.05 \times .15) = 1 - .02\%$$

$$p(.21 \leq p \leq .27) = 98\%$$

در سطح معنی‌دار بودن 2 درصد می‌توان انتظار داشت حداقل 21 و حداکثر 27 درصد از دانش‌آموختگان مقاطع کاردانی و کارشناسی دانشگاه آزاد ایگودرز در مقطع کارشناسی و یا کارشناسی ارشد به تحصیل ادامه داده‌اند.

ج) جنسیت و درصدها:

بر اساس اطلاعات بدست آمده نرخ بیکاری در میان مردان 23% و زنان 59% می‌باشد. به روشنی تفاوت جنسیت در بدست آوردن شغل را از ارقام مذکور می‌توان مشاهده کرد. اختلاف 2/5 برابری نرخ بیکاری در میان مردان و زنان بیانگر این حقیقت است که به ازای هر مرد بیکار 2/5 زن بیکار وجود دارد.

نرخ اشتغال به تحصیل در هر دو گروه مردان و زنان 32% می‌باشد. این رقم همانندی تمایلات ادامه تحصیل در هر دو گروه جنسی را بیان می‌کند.

د) نرخ‌ها در رشته‌ها:

رشته‌های تحصیلی که نرخ بیکاری آنها از متوسط نرخ بیکاری (32%) بیشتر می‌باشند به ترتیب عبارت است از: کاردانی علوم تجربی 67%، کاردانی ریاضی 66%، کاردانی ایمنی صنعتی 50%، کاردانی مکانیک (ساخت و تولید) و کاردانی و کارشناسی مدیریت بانک 43%، کاردانی امور گمرکی 42%، کارشناسی زمین شناسی 40%.

کمترین نرخ بیکاری در رشته‌ها متعلق است به: کاردانی ماشین افزار صفر، کاردانی تأسیسات 10 %، کاردانی امور دولتی 16 %، کاردانی مدیریت صنعتی 18 %.

تغییر مقطع از کاردانی به کارشناسی و شناخت دقیق بازار کار رشته‌های مذکور، به عنوان راهکار بلند مدت حل مشکلات رشته‌های مذکور پیشنهاد می‌گردد.

رشته‌های ماشین افزار و تأسیسات به دلیل برتری جنبه‌های علمی آموزشی نسبت به مطالب نظری توانسته‌اند در بازار کار موفقیت بدست آورند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد، مقطع کاردانی فقط برای رشته‌هایی که به دلیل درصد بالای دروس عملی قادرند به صورت خوداشتغالی و یا جذب در کارگاه‌های کوچک بکار گرفته شوند ایجاد گردد و رشته‌هایی که مطالب درسی آنها تماماً نظری است در مقاطع بالاتر ارائه گردد.

ذ) نرخ‌ها در استان لرستان و شهرستان الیگودرز

با جمع ارقام مربوط به شهرهای ازنا، الیگودرز، کوه‌دشت، دورود، خرم‌آباد می‌توان نسبت‌های مورد نظر را در استان لرستان به دست آورد.

نرخ بیکاری استان لرستان $130/305 = 43\%$

$$\frac{70}{168} = 42\%$$

شهرستان الیگودرز

$$104 / 427 = 24\% \quad \text{نرخ اشتغال به تحصیل استان لرستان}$$

$$\frac{70}{247} = 28\%$$

شهرستان الیگودرز

ارقام فوق نشان می‌دهد نرخ بیکاری استان در حدود 9 % از میانگین جامعه بیشتر است و نرخ اشتغال به تحصیل استان برابر میانگین جامعه است.

بر اساس آمارهای رسمی کشور در سال 1385 نرخ بیکاری دانش‌آموختگان 20/6 % می‌باشد. در حالی که متوسط این نرخ در کشور 11/2 % می‌باشد. دو برابر بودن نرخ بیکاری لرستان نسبت به کشور به خوبی وضعیت وخیم استان را در زمینه اشتغال نشان می‌دهد. نرخ بیکاری منتج از پژوهش حاضر 43 % بطور آشکار و با آمار رسمی کشور (20/6 %) متفاوت می‌باشد. این اختلاف به عوامل متعددی باز می‌گردد که به شرح آن می‌پردازیم.

1. بیش از 60 درصد دانش‌آموختگان دانشگاه الیگودرز غیربومی بوده‌اند.
2. هر چند که هر دو منبع اطلاعاتی بروش نمونه‌گیری بدست آمده است اما پراکندگی جمعیت انتخابی در نمونه مرکز آمار ایران بسیار بیشتر از جمعیت مورد مطالعه این تحقیق می‌باشد. به عبارت دیگر جمعیت نمونه این پژوهش فقط از یک شهر و یک دانشگاه می‌باشد.
3. رشد دو برابری پذیرش دانشجو در طی سال‌های 82 و 83، جمعیت 2500 نفری دانشگاه را به بیش از 5000 نفر رسانید. و از آنجا که عمده ایشان در مقطع کاردانی به تحصیل اشتغال داشتند، فراغت از تحصیل ایشان در سال‌های 84 و 85 صورت گرفته است. از جمعیت 1750 نفری دانش‌آموختگان دانشگاه بیش از 73% در سال‌های 84 و 85 دانش‌آموخته گردیدند.

و) تجزیه و تحلیل سایر اقلام پرسشنامه

1. علاقمندی به رشته تحصیلی

1. 30 درصد از دانش‌آموختگان به رشته تحصیلی خود علاقمند و 55 درصد علاقه‌های به رشته خود نداشتند و 15 درصد بی نظر بودند.
- بدیهی است علاقه به رشته تحصیلی یکی از پارامترهای مهم موفقیت فرد در رشته تحصیلی خود می‌باشد. خلاقیت، نوآوری، کاربرد آموخته‌ها در صحنه زندگی، رشد بهره‌وری در تولید و.. بخشی از مزیت‌های علاقمندی به رشته تحصیلی است. احتمالاً یکی از مهم‌ترین دلایل عدم ادامه تحصیل بسیاری از دانش‌آموختگان، درصد بالای بی‌علاقگی آنان به رشته انتخابی خود می‌باشد.

2. نیازهای آموزشی

1. دانش‌آموختگان در پاسخ به سؤال کمبودهای آموزشی در دوران تحصیل، موارد متعددی را بیان کردند که به طور خلاصه می‌توان آنها را در چندین گروه دسته‌بندی کرد. برای درک بهتر و نتیجه‌گیری مطمئن‌تر، می‌توان دانش‌آموختگان را به دو گروه شاغل و غیرشاغل تقسیم‌بندی کرد.
2. 50 درصد دانش‌آموختگان شاغل، افزایش مهارت‌های عملی مانند کارآموزی، کامپیوتر، زبان، مدیریت عملی و... را به عنوان کمبودهای آموزشی عنوان کردند. به

عبارتی دیگر این افراد آموزش‌های صرفاً نظری را چندان در صحنه کار و فعالیت مؤثر نمی‌داند و افزایش جنبه‌های عملی این آموزش‌ها را در کار ضروری می‌دانستند. 15 درصد از ایشان مشاوره قبل از انتخاب رشته را لازم می‌داند که باید توسط آموزش و پرورش به صورت جدی انجام شود و یا در رسانه‌های گروهی و حتی نهادهای مشاوره‌های خصوصی و دولتی صورت گیرد. 20 درصد افزایش کارآیی امکانات نرم افزار و سخت افزاری دانشگاه را بعنوان کمبودهای آموزشی مطرح کردند. برای رفع این کمبودها، افزایش تجهیزات و لوازم آزمایشگاهی، استفاده از اساتید مجرب و با توانمندی علمی و تعهد کاری بیشتر، جدیت و دقت در محتوای امتحانات و کیفیت برگزاری آن، اصلاح سرفصل‌های درسی و افزایش مطالب علمی ارائه شده فراتر از جزوه‌ها و استفاده از کارمندان مجرب و متعهد و... را پیشنهاد کرده‌اند.

15 درصد گسترش کمی و کیفی رشته‌ها را لازم می‌دانستند. تنوع بخشی در رشته‌ها متناسب با نیازهای جامعه، حذف رشته‌ها و سرفصل‌های غیرضروری، گسترش مقاطع تحصیلی و افزایش حجم پذیرش در مقاطع بالاتر از مصادیق این موضوع می‌باشد. در نظر خواهی از دانش‌آموختگان بیکار، اختلاف عمده‌ای در درصدهای مذکور مشاهده می‌شود. بر اساس نظر این گروه بیش از 60 درصد به مطالب ارائه شده در دانشگاه‌ها اعتراض داشته و افزایش مطالب برای ایشان اولویت اول را دارد. بیش از 30 درصد به سطح کارآیی دانشگاه انتقاد داشته و کارآیی اساتید، کارآیی حوزه مدیریت دانشگاه، و تجهیزات و امکانات رفاهی را ناکافی می‌دانستند. 10 درصد گسترش کمی مقاطع دانشگاهی را لازم می‌دانستند.

3. اثربخشی تحصیل بر کسب شغل

از مجموع 297 شاغلین، 183 نفر مشاغل موقت و غیرمرتبط با مدرک تحصیلی مانند راننده تاکسی، دفتردار پزشک و... می‌باشند. از مجموع 114 نفر باقیمانده 25 نفر برای کسب شغل نیازی به مدرک تحصیلی نداشتند بنابراین بیش از 70% از شاغلین برای بدست آوردن شغل نیازی به مدرک تحصیلی نداشتند و فقط 30 نفر از ایشان با ارائه مدرک تحصیلی توانسته‌اند شغلی متناسب با مدرک و مقطع تحصیلی بدست آورند. بیش از 75% افراد اثربخشی تحصیل در انجام وظیفه‌شان را کم و 19% متوسط و 6% زیاد می‌دانستند.

در سؤال کنترلی دیگری که در زمینه ضرورت مدرک در کسب شغل پرسیده شد، 31 درصد وجود مدرک تحصیلی را برای کسب شغل لازم دانسته و 69% آن را لازم ندانسته‌اند. این نتیجه تأکید ضمنی است که اغلب شاغلین به کارهای غیرمرتبط با مدرک تحصیلی خود مشغول شده‌اند.

4. بومی یا غیر بومی بودن شاغل

56 درصد از شاغلین، بومی بودن خود را در کسب شغل مفید و مؤثر دانسته‌اند و 44 درصد این معیار را برای کسب شغل جدی و مؤثر نمی‌دانند. در شهرهای بزرگ صنعتی مثل تهران، تبریز، اصفهان و... چنین باوری در اذهان مردم کمتر به چشم می‌خورد و برای آنها چندان این مسئله اهمیت ندارد لکن در شهرهای کوچک به علت نظام فرهنگی خاص و کمبود شغل این مسئله از اهمیت شایانی برخوردار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به هدف اصلی این تحقیق که بررسی میزان موفقیت دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد الیگودرز در کسب شغل مناسب با مقطع و رشته تحصیلی ایشان بود، دو شاخص نرخ بیکاری و نرخ اشتغال به تحصیل مورد سنجش قرار گرفت. متوسط نرخ بیکاری بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده 32 درصد و نرخ اشتغال به تحصیل 21 درصد می‌باشد.

جدول نرخ بیکاری در سال 1385

نرخ بیکاری دانش‌آموختگان کشور 11/3	نرخ بیکاری کشور 11/2
نرخ بیکاری دانش‌آموختگان استان لرستان 20/6	نرخ بیکاری استان لرستان 20/2

مأخذ: مرکز آمار ایران

مقایسه ارقام بدست آمده از این تحقیق و ارقام رسمی کشور نشان می‌دهد نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد الیگودرز بیش از 20 درصد از متوسط کشور و 11 درصد از متوسط استان لرستان بیشتر می‌باشد. عدم موفقیت دانشگاه آزاد الیگودرز در یاری رساندن به دانش‌آموختگان دانشگاهی برای کسب شغل متناسب با رشته و مقطع تحصیلی را شاید بتوان به دو بخش تقسیم کرد. اگر اهداف نظام آموزش عالی

را بتوان به تربیت دو نوع متخصص: 1. متخصصان متقاضی استخدام 2. متخصصان کارآفرین دسته‌بندی کرد تقاضای بازارکار به ویژه بازارکار محلی نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب گروه اول خواهند داشت. از آنجا که تقاضای بازارکار شهرستان الیگودرز به علت کمبود سرمایه‌گذاری، تقریباً بی‌کشش می‌باشد، بنابراین دانشگاه آزاد الیگودرز در این مورد نقش فعالی ایفا نمی‌کند. لیکن در مقوله تربیت متخصصان کارآفرین و تقویت روحیه خلاقیت در دانشجویان چندان موفق نبوده است. این نتیجه‌گیری به نحو دیگری از اطلاعات جمع‌آوری شده این تحقیق به دست آمده است. زیرا دانش‌آموختگان علت عدم موفقیت در کسب شغل را عدم جامعیت مطالب درسی و نبود مصادیق عملی در مفاهیم ارائه شده دانسته‌اند. علاوه بر نتایج حاصله از این تحقیق، مطالعات انجام شده در این زمینه که فهرست آن در منابع این مقاله آمده است، بر این امر مهر تأیید زده‌اند که ایجاد روحیه کارآفرینی از طریق برگزاری کلاس‌های کارآموزی و کارآفرینی با تلفیق مفاهیم تئوریک و کاربردی نمودن آنها میسر می‌گردد. نرخ 21 درصدی اشتغال به تحصیل دانش‌آموختگان دانشگاه الیگودرز نشان می‌دهد که به طور متوسط از هر پنج نفر دانش‌آموخته یک نفر تمایل داشته است در سطوح بالاتر دانشگاهی ادامه تحصیل دهد. این تمایل شاید نشانه‌ای از ناامیدی ایشان در کسب شغل با مدرک فعلی تحصیلی و امید به کاربایی در صورت داشتن مدرک تحصیلی بالاتر باشد.

به طور خلاصه نتایج تحقیق را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

1. با ضریب اطمینان 98% درصد، متوسط نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد الیگودرز در سال تحصیلی 1385-86 برابر 32% و نرخ اشتغال به تحصیل ایشان 21% می‌باشد.

2. اگر از جمعیت شاغلین دانش‌آموخته، جمعیت 48 درصدی سربازان و شاغلینی که برای احراز شغل خود نیاز به مدرک تحصیلی نداشته‌اند کسر نماییم، نرخ بیکاری واقعی به 80% ترقی خواهد کرد هر چند مسئولین نظام آموزش عالی مسئولیت مستقیم اشتغال این تحصیل کرده‌ها را بر عهده ندارند، لیکن نسبت به توانمندسازی متناسب با نیاز بازارکار این گروه مسئولیت خواهند داشت. تغییر و اصلاح دروس نظری و عملی، متوقف و یا محدود کردن پذیرش دانشجو در برخی رشته‌ها، ایجاد و یا توسعه رشته‌های جدید تحصیلی، نمونه‌هایی از وظایف کارگزاران آموزش عالی کشور می‌باشد.

3. کمیته برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند با هماهنگی وزارت آموزش عالی نسبت به ابقاء، حذف و یا محدود کردن پذیرش دانشجو در مورد هر یک از رشته‌های تحصیلی از طریق تحقیقات مجزا، نیازمندی واقعی بازارکار اقدام نمایند. زیرا سپردن این وظیفه به مکانیزم عرضه و تقاضای نیروی کار متخصص، در آینده ما را با بیکارانی روبه‌رو می‌کند که به علت داشتن مدرک حاضر به انجام هر کاری نمی‌باشند و در صورت پذیرش اجباری مشاغل غیرمرتبط با تحصیلات، علاوه بر یأس و ناامیدی جوانان، اتلاف سرمایه را در پی خواهد داشت.
4. با توجه به نرخ بیکاری 43% درصدی استان لرستان که در این تحقیق بدست آمده است و همچنین نرخ 20/6 درصدی ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، توجه جدی مسئولین کشور به معضل بیکاری در این استان ضروری است. افزایش سهم سرمایه‌گذاری دولت از طریق سیاست‌های پولی و مالی انبساطی لازم می‌باشد.
5. با توجه به تمایل نسبتاً مناسب دانش‌آموختگان به ادامه تحصیل، گسترش مقاطع تحصیلی به خصوص کارشناسی ارشد رشته‌های کارشناسی حسابداری، صنایع اتومبیل، اقتصاد در شهرستان الیگودرز ضرورت دارد.
6. بازنگری شرایط پذیرش اساتید و کارمندان و مسئولین اجرایی و رده بالای دانشگاه‌ها امر لازم و ضروری است.
7. برای رقابت با دانشگاه دولتی گسترش رشته‌ها و مقاطع بالاتر و همین‌طور بهبود کیفیت آموزش و کاهش هزینه‌های آموزش در الویت قرار دارند. زیرا این امر یک رقابت است و کاهش هزینه‌ها برای جلب دانشجویان از اهمیت بسزایی برخوردار است.
8. حضور دانشگاه آزاد در شهرهای مختلف مانع مهاجرت افراد مستعد از شهر محل سکونت‌شان گردیده است. این امر سبب تجمع یکی از مهم‌ترین عوامل تولید، یعنی نیروی انسانی در منطقه گردیده است. زیرا چسبندگی‌های فرهنگی و پیوندهای محلی، تمرکز این عامل مهم تولیدی را در مناطق محروم فراهم کرده است. دولت با اعمال سیاست تشویق سرمایه‌گذاری در این مناطق می‌تواند عدالت جغرافیایی را تحقق بخشد.
9. بر اساس یافته‌های تحقیق، مقطع کاردانی الکترونیک، زبان انگلیسی، امور بانکی، مدیریت بازرگانی، کارگردانی، ادبیات نمایش، نقشه‌کشی دارای اثربخشی مطلوبی نیستند پیشنهاد می‌شود مقطع به کارشناسی ارتقا یابد.

10. برخی از رشته‌ها همچون کاردانی ایمنی صنعتی، و کادانی الکترونیک، امور گمرکی، علوم تجربی، ریاضی به دلیل عدم استقبال متقاضیان، و نیز عدم تمایل به ادامه تحصیل دانش‌آموختگان حذف شوند.
11. به دلیل ارائه آموزش ناکافی، و عدم همراه بودن تئوری و عمل، دانش‌آموختگان کارآیی زیادی در انجام وظیفه شغلی در خود احساس نمی‌کنند. بنابراین پیوند منطقی دروس عملی و نظری و آموزش روحیه کارآفرینی در دانشجویان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. باید بتواند روحیه کارآفرینی در دانش‌آموختگان ایجاد نماید.
12. آموزش عالی نقش مثبتی در ارتقا دیدگاه ارزشی دانش‌آموختگان در بر داشته است.
13. جهت افزایش توانمندی علمی متناسب با نیاز بازار کار، کاهش دروس نظری و افزایش دروس عملی رشته‌های کاردانی جوشکاری، مکانیک خودرو، ساخت و تولید، مهم‌ترین الزام افزایش کارایی رشته‌های مذکور تشخیص داده شده است.
14. کاهش ظرفیت پذیرش رشته‌های کارشناسی زمین‌شناسی، اقتصاد بازرگانی، تعادل عرضه و تقاضای بازارکار را ضمانت می‌نماید.

منابع

- بختیاری، صادق (1382). تحلیلی از اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی کشور. همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس 30-29 مهرماه، (84-100).
- پور قاسم، شهلا (1381). بررسی وضعیت اشتغال زنان تحصیل کرده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی به راهنمایی دکتر کاظمی‌پور، نشریه جامعه‌شناسی ایران.
- حاجی خیاط، علیرضا (1382). بررسی علل و عوامل بیکاری دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی. همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس 30-29 مهرماه (380)
- حمیدی زاده، محمدرضا (1382). رویکردی برای اندازه‌گیری نرخ بیکاری بخش آموزش عالی اقتصاد. همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس 30-29 مهرماه، (372)
- رحمانی، رامین و نظری کتولی، علی (1382). چالش‌های نظام آموزش عالی در ارتباط با اشتغال دانش‌آموختگان. همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس 30-29 مهرماه، (80-60)
- سپهر، جعفر (1345). بیکاری. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- سعیدی کیا، مهدی (1382). کارآفرینی، پیامد دانشگاه نتیجه‌گرا. همایش اشتغال و نظام آموزش عالی. تهران: جهاد دانشگاهی تربیت مدرس 30-29 مهرماه (3-1).
- علوی رادف عباس و مسلمان، طاهره (1382). آسیب‌شناسی عدم اشتغال دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی در بخش عمومی. همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس 30-29 مهرماه، (360).
- مرکز آمار ایران (1383). آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار. تهران: دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران، 3818.
- مرادی، رضا، سروش علیمرادی و مصطفی کریمیان اقبال (1382). نقش انکوباتورهای دانشگاهی در بسترسازی کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی. همایش اشتغال و نظام آموزش عالی، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت مدرس 30-29 مهرماه، (3-1).

هاشمی، سید مهدی (1387). کارآفرینی و اشتغال در نظام آموزش عالی. روزنامه مردم سالاری، 1824 (1-3).

Anderson, Ronald (2005). *Urbanization, productivity and innovation: Evednce from investment in higher education rogal institute of tecknology Stockholm, Sweden.*

National association of state university and land grant colleges (2001). *Shaping the future: the economic impact of public university, New York. USA.*

Notre Dame, university (2002). *Economic and fiscal impacts of the University of Norte Dame, Netherlands.*